نگاه

اظهارات جدید عمرالبشیر تغییر رویکرد یا ژست سیاسی

جواد ابو*

● دیرزمانی از رفتار ناخوشایند عمرالبشیر، رئیس‌جمهور سودان، علیه کشورمان در خطرناک‌تردانستن ایران از داعش و اتهام تلاش ایران برای گسترش تشیع در سودان نمی‌گذرد. زمستان سال ۱۳۹۴ بود که البشیر در حمایت از عربستان‌سعودی (پس از حمله به سفارت و کنسولگری عربستان در ایران و قطع ارتباط سیاسی عربستان با ایران) روابط دیپلماتیک خود با ایران را قطع و هجمه‌ای از اتهامات را علیه جمهوری اسلامی ایران روانه کرد. آن زمان، بسیاری بر این اعتقاد بودند که سودان تحت فشارهای سیاسی و اقتصادی، از محور مقاومت خارج شده با اتخاذ راهبرد جدید منطقه‌ای به صف مخالفان جمهوری اسلامی پیوسته است. هم‌زمان عده‌ای دیگر، رفتار سودان را تغییر تاکتیکی و موقت تفسیر کردند و از بازگشت این کشور به خط کشورهای همسو با ایران در آینده‌ای نه‌چندان‌دور خبر دادند.

در مرحله بعد، پیوستن سودان به ائتلاف عربستان‌سعودی علیه یمن، تردیدها درخصوص تاکتیکی‌بودن رفتار سودان را کم‌رنگ کرد. خاطره همکاری نظامی سودان با عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران (در دوره ریاست‌جمهوری جعفر نمیری بر سودان) از طریق تأمین مزدور، به افکار عمومی کمک کرد تا دریابند که این کشور ظرفیت دشمنی با جمهوری اسلامی را دارد. زمستان ۱۳۹۴ اما، اوج ویرانگری داعش و جولان گروه‌های تروریستی تأمین مالی و تجهیزشده از سوی عربستان و قطر، یعنی داعش و جبهة النصره در عراق و سوریه بود. نه از حضور قوی روسیه در سوریه خبری بود و نه از همکاری ترکیه با محور ضدسعودی. اسد در شرایط ضعف قرار داشت و زمان به‌نفع عربستان و هم‌پیمانانش حرکت می‌کرد. عمرالبشیر نیز از فرصت به‌دست‌آمده استفاده و ضمن تشدید مواضع ضدایرانی، خود را به جبهه آنان نزدیک‌تر کرد. وضعیت اما در پاییز ۱۳۹۶ فرق کرده است. از داعش سرمست از کشتار و فتح سرزمین شام، چیزی جز گروه‌های چندده‌نفری پناه‌برده به دامن آمریکا و شرکای عرب برای درامان‌ماندن، باقی نمانده است. محور روسیه، ایران و اخیرا ترکیه عملا پرچمدار پیروزی در جبهه سوریه شد. نه‌تنها عربستان‌سعودی، بلکه دوستان آن‌هم در این ماجرا باختند. سودان نیز یکی از بازنده‌های این جنگ بود. درگیرشدن منافع کشوری مانند سودان که با مشکلات عدیده اقتصادی در داخل مواجه است، با مشکلات امنیتی منطقه خاورمیانه راه به جایی نخواهد برد. انتظار ناکامی در یمن، لبنان یا هر مکان جدید نیز بر نگرانی‌های آنها دراین‌باره می‌افزاید.

اظهارات اخیر عمرالبشیر که در حاشیه ملاقات وی با پوتین صورت گرفت، بعد از شکست داعش در منطقه و نشست سه‌جانبه روسیه، ایران و ترکیه در سوچی بود و به‌روشنی حکایت از دریافت پیام تغییر فضای منطقه‌ای ازسوی عمرالبشیر دارد. وی در مصاحبه با شبکه اسپوتنیک روسیه به سه موضوع مهم اشاره کرد: آمریکا به‌دنبال تقسیم سودان به پنج کشور است. آماده‌ایم تا برای تأسیس پایگاه هوایی روسیه در سودان همکاری کنیم و اینکه سودان مخالف هرگونه جنگ اعراب علیه ایران است. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که عربستان‌سعودی به دنبال یارگیری و کسب مشروعیت بیشتر برای فشار به ایران و هم‌پیمانان آن، از جمله لبنان است. در این بین سودان، میان ماندن در جبهه سعودی و ادامه حمایت‌های منطقه‌ای از این کشور یا تغییر مسیر به سمت شرکای سابق تردید دارد. پیروی از سیاست‌های منطقه‌ای عربستان به حضور نظامی در یمن ختم نخواهد شد و هرگونه ماجراجویی نظامی احتمالی در آینده را شامل خواهد شد. اینکه اظهارات البشیر تا چه حد واقعی یا صرفا مانور تبلیغاتی و ژست سیاسی برای اخذ امتیازات بیشتر از سعودی بوده، با گذشت زمان قابل اثبات است، اما البشیر باید بداند که نمی‌تواند به‌تنهایی زمان مناسب را برای انتخاب بازیگر در منطقه تعیین کند، بلکه وی تابعی از تحولاتی خواهد بود که طبیعتا تاثیرگذاری فردی او را به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد. بنابراین بازی با چند برگ برنده به‌طور هم‌زمان برای وی امکان‌پذیر نخواهد بود. فشارهای عربستان‌سعودی، فعال‌بودن گروه‌های سلفی وابسته به این کشور و وضعیت اسفناک اقتصادی سودان از یک طرف در کنار محکومیت جنایی بین‌المللی شخص البشیر از سوی دیوان کیفری بین‌المللی به‌همراه تحریم‌های آمریکا از سوی دیگر، در تغییر مواضع سیاست خارجی رئیس‌جمهور سودان بی‌تاثیر نبوده است.

عمر البشیر که در سال ۱۸۸۹ از دل جریان اسلام‌خواهی سودان قد علم کرد، به‌سرعت تبدیل به پرچمدار گرایش‌های اسلامی و اخوانی شد و نزدیک به سه دهه به‌عنوان نماینده مقاومت، جایگاه ویژه‌ای نزد افکار عمومی منطقه داشت. چرخش غیرمنتظره وی به سمت عربستان ملک سلمان و محمد بن‌سلمان، نگاه بسیاری از جریان‌های منتسب به مقاومت را نسبت به وی تقلیل داد. بااین‌حال، تغییر اوضاع منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، به‌ویژه در فضای پساداعش فرصتی را فراهم کرده تا اگر وی به‌معنای واقعی خواهان بازگشت به محور مقاومت است، تعلل نکند.

*کارشناس روابط بین‌الملل

politics@sharghdaily.ir

مکاتبه ناکام رئیس سیا با فرمانده سپاه قدس

نامه باز نشده پس فرستاده شد

رئیس «سیا»، هم نامه‌نوشتن به سردار سلیمانی را تأیید کرد و هم این را که فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران این نامه را بازنکرده پس فرستاده است. به گزارش «تسنیم»، به نقل از رویترز، «مایک پمپئو» رئیس سازمان سیا، روز شنبه گفت: «نامه‌ای را برای سردار قاسم سلیمانی و رهبران ایران ارسال کرده‌ام و در آن نگرانی خود را از رفتارهای تهدیدآمیز ایران در عراق ابراز کردم».

او در سخنانی در همایش سالانه امنیت ملی ریگان در کالیفرنیای جنوبی، افزود: «من این نامه را پس از آن ارسال کردم که فرمانده ارشد نظامی ایران نشان داده بود نیروهای تحت کنترلش شاید به نیروهای آمریکایی در عراق حمله کنند».

رئیس سازمان سیا به زمان ارسال این نامه اشاره‌ای نکرده است. پمپئو گفت: «چیزی که در نامه قصد منتقل‌کردن آن را به او داشتیم، این بود که ما او و ایران را به دلیل هرگونه حمله به منافع آمریکا در عراق از سوی نیروهای تحت کنترلش، پاسخ‌گو خواهیم کرد. می‌خواهیم مطمئن شویم که او به‌طور شفاف این مسئله را درک کرده است». رئیس سازمان سیا گفت: «البته سلیمانی حاضر به بازکردن نامه نشده است». چند روز پیش، حجت‌الاسلام محمدی‌گلپایگانی، رئیس‌دفتر مقام معظم رهبری، نیز روایتی از این نامه داشت: «همین اواخر، زمانی که قاسم سلیمانی در بوکمال بود، رئیس سازمان سیا به وسیله یکی از رابطان خود در منطقه، نامه‌ای برای سردار سلیمانی فرستاد؛ اما ایشان گفت نامه تو را نمی‌گیرم و نمی‌خوانم و اصلا با این افراد صحبتی ندارم». این اولین بار نیست که پیام و پیغام‌هایی این‌چنین ردوبدل می‌شود؛ سال ۲۰۱۴ «گاردین» گزارش داده بود زمانی که مجادله بین گروه شبه‌نظامی شیعه از یک طرف و ارتش آمریکا و عراق از طرف دیگر شعله‌ور بود، به پترائوس یک تلفن داده شد که در آن یک پیامک از سردار سلیمانی بود. به ادعای «گاردین» در آن پیامک نوشته شده بود: «ژنرال پترائوس! شما باید من را بشناسی، من قاسم سلیمانی هستم، کسی که سیاست‌های ایران را در عراق، لبنان، غزه و افغانستان تدوین می‌کند و صد البته سفیر ایران در بغداد نیز عضو سپاه قدس است و کسی که جایگزین او می‌شود نیز عضو سپاه قدس است».

موفق‌ترین فرمانده

در همین حال، روز گذشته در جشنواره مالک‌اشتر که در راستای تقدیر از یگان‌ها و فرماندهان برتر نیروهای مسلح برگزار شد، نیروی قدس سپاه به‌عنوان برترین نیرو و سرلشکر قاسم سلیمانی به‌عنوان موفق‌ترین فرمانده نیروهای مسلح انتخاب شدند. چند روز پیش بود که خبرگزاری «تسنیم» ویدئویی از سردار سلیمانی منتشر کرد؛ از حضور سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، در عملیات آزادسازی شهر المیادین سوریه. به نوشته این خبرگزاری: «این ویدئو که به‌تازگی از شبکه المنار لبنان منتشر شده، حضور سردار سلیمانی را در عملیات آزادسازی شهر المیادین که در تاریخ ۲۰۱۷/۱۰/۱۴ آزاد شده، نشان می‌دهد. در این فیلم طراحی نقشه عملیات از سوی سردار سلیمانی در کنار برخی رزمندگان و فرماندهان محور مقاومت با هدف آزادسازی شهر المیادین از دست تروریست‌های داعش نشان داده شده است». از آغاز تحرکات داعش در عراق و سوریه، سردار سلیمانی برای نابودی تروریست‌ها مشغول فعالیت است. آخرین روز آبان، سردار سلیمانی در پیامی به مقام معظم رهبری، پایان سیطره داعش را اعلام کرد. او در بخشی از این پیام نوشت: «حقیر به‌عنوان سرباز مکلف‌شده از جانب حضرت‌عالی در این میدان، با اتمام عملیات آزادسازی بوکمال آخرین قلعه داعش با پایین‌کشیدن پرچم این گروه آمریکایی- صهیونیستی و برافراشتن پرچم سوریه، پایان سیطره این شجره خبیثه ملعونه را اعلام می‌کنم».

نویسنده نامه کیست؟

نویسنده نامه به سردار سلیمانی، یعنی رئیس سازمان «سیا»، از چهره‌های ضدایرانی دولت آمریکاست. از لحاظ ضدایرانی‌بودن، او را می‌توان در کنار «جان بولتون»، سفیر اسبق آمریکا در سازمان ملل، قرار داد. «مایک پومپئو» یکی از سه نماینده جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان آمریکا بود که در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان در اسفند سال ۹۴، با حضور در دفتر حافظ منافع ایران در واشنگتن، درخواست ویزا دادند. آنها در محل دفتر حفاظت منافع ایران هم عکس یادگاری‌شان را گرفتند و بعدا در نامه‌ای به مقامات عالی‌رتبه ایران خواسته بودند به درخواست ویزای آنها توجه ویژه شود.

آنها درخواست عجیب‌وغریبی مطرح کرده بودند: «نظارت بر انتخابات». آنها همچنین «بازدید از مجتمع پارچین و تأسیسات هسته‌ای اراک و فردو» و «ملاقات با زندانیان آمریکایی در ایران» را خواستار شده بودند. او عضو جنبش تی‌پارتی در حزب جمهوری‌خواهان است؛ همچنین عضو انجمن ملی اسلحه، گروه لابی گسترش استفاده از سلاح گرم در آمریکاست که با تعطیل‌شدن بازداشتگاه گوانتانامو مخالف بوده. برخی او را جایگزین «رکس تیلرسون»، وزیر خارجه آمریکا، می‌دانند؛ درهمین‌باره شایعاتی در این زمینه منتشر شد که تیلرسون این شایعات را تکذیب کرد.

برای شرکت در کنفرانس بین‌المجالس مبارزه با مواد مخدر

لاریجانی به مسکو رفت

علی لاریجانی روز گذشته به‌منظور حضور در کنفرانس بین‌المجالس با موضوع مبارزه با مواد مخدر عازم روسیه شد. رئیس مجلس پیش از عزیمت در جمع خبرنگاران در فرودگاه مهرآباد تهران به بیان اهداف این سفر پرداخت و گفت: وضعیت افغانستان به‌گونه‌ای شده که تولید مواد مخدر در آن افزایش یافته و روش‌های مورد ادعای ناتو برای مبارزه با آن عملی نبوده؛ چراکه یا نسبت به این موضوع بی‌تفاوت هستند یا در پشت صحنه به هم کمک می‌کنند.

به گزارش ایسنا، او همچنین با بیان اینکه منابع مالی جریان‌های تروریستی از محل فروش و قاچاق مواد مخدر تأمین می‌شود، گفت: برای مبارزه با مواد مخدر نباید کار ظاهری کرد بلکه باید تصمیماتی اساسی گرفته شود و همکاری مشترک برای مبارزه با مواد مخدر و برخورد با سرمنشأ آن صورت گیرد. او در ادامه به هدف بعدی این سفر اشاره و بیان کرد: جلسه‌ای با دومای روسیه داشتیم تا سرمایه‌گذاری‌های مشترک میان ایران و روسیه انجام شود. بنابراین قرار است در حاشیه این کنفرانس تشکیل جلسه داده و موضوع را پیگیری کنیم؛ چراکه عملیاتی‌شدن پروژه‌های راهبردی برنامه ششم در این راستا حائز اهمیت است.

رفتار رئیس‌جمهور آمریکا چندش‌آور است

لاریجانی همچنین شنبه‌شب گذشته با حضور در تلویزیون به مناسبت روز مجلس گفت: درباره موضوع سرنوشت مؤسسات مالی و اعتباری گفت: در جلسه سران قوا نتایج بررسی‌ها و نتایج جلسه کمیسیون اقتصادی مطرح شد. آقای پزشکیان، نایب‌رئیس مجلس نیز به‌طور مستمر پیگیری می‌کرد. در جلسه سران مقرر شد که به سازوکاری دست پیدا کنیم که به افرادی که تعدادشان زیاد است، اموالی پرداخت شود و به حساب متخلفان رسیدگی شود. این موضوع احتیاج به حمایت مقام معظم رهبری داشت. خدمت ایشان مسئله را گفتیم که ایشان لطف و کمکی درباره حل مسئله کردند. رئیس قوه مقننه درباره سرانجام برجام نیز گفت: فکر می‌کنم آنچه در برجام رخ داد، این بود که ایران با دقت رفتار و عمل کرد و راهی را انتخاب کرد که بر مبنای شرایط خاص آن زمان بود که در گذشته ایجاد شده بود. ایرانی که اقتدار و سابقه تمدن وسیع و نسل جدید فعال و منابع خوبی دارد، در تنگنای اقتصادی قرار گرفته بود که در آن شرایط تصمیم درست گرفته شد که به‌دنبال آن فضا روان شد و نفت به فروش رفت. مراودات نفتی و کشتی‌رانی و بیمه‌ها راه افتاد، پتروشیمی و صنایع دیگر برای تولیدکننده روان‌تر شد. نمی‌گویم همه مشکلات حل شده اما خیلی از مشکلات حل شده است. لاریجانی افزود: البته آمریکا و اسرائیل برخی کشورها به‌دنبال برهم‌زدن این توافق هستند. مهم آن است که بدانید این راه با دقت و به‌درستی انتخاب شده و برای شرایط امروز اقتصادی لازم بود. باید با هوشیاری شرایط را رصد کنیم.

او در پاسخ به این پرسش که آیا فرجام برجام خوش خواهد بود، گفت: ان‌شاءالله همین‌طور است و ما باید شرایط را همواره با دقت بررسی کنیم. یکی از نکاتی که باید علاوه بر فشار اقتصادی در آن زمان، به آن توجه کرد، اجماع کشورهای بزرگ به‌خصوص کشورهای اروپایی برای فشار به ایران بود که با هم همنوا شده بودند. در این بین برخی کشورهای دوست که قصد کمک داشتند، دچار معذوریت شده بودند. اکنون این همنوایی شکسته شده و دیگر کشورهای مختلف و آمریکا در یک سو نیستند؛ البته جز اسرائیل و برخی کشورهای منطقه بقیه با آمریکا علیه ایران همنوایی نمی‌کنند. این نکته مهمی است. باید کاری کنیم که آنها در انزوا قرار گیرند. رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه در پاسخ به این پرسش که با توجه به نابودی داعش در سوریه و عراق آیا آمریکایی‌ها به‌دنبال پروژه جدیدی برای ناامن‌کردن خاورمیانه هستند، گفت: کار مهم ایران این بود که به دعوت دولت عراق و سوریه برای مبارزه با تروریست‌ها به کمک آنها رفت. کار دقیق و اساسی‌ای انجام گرفت که منجر به برقراری امنیت در منطقه و خود ایران شد. اینکه ایران امن است، پشت آن فکر و کار دقیقی وجود دارد که لازم است از سپاه قدس و فرمانده سلحشور و مجاهد آن آقای سلیمانی تشکر کنم که خیلی زحمت کشیدند. ایشان سرمایه مهمی برای کشور هستند. رئیس قوه مقننه همچنین گفت: دشمنان در ایجاد مسئله در منطقه تلاش‌های زیادی می‌کنند؛ مهم آن است که موفق نمی‌شوند. در این بین راه ایران روشن است. ما اگر با تروریسم مقابله می‌کنیم آن را به روشنی مطرح می‌کنیم و کار پنهانی نداریم اما حرف ما این است که با همه کشورهای منطقه روابط سالم و همزیستی مسالمت‌آمیز داریم؛ جز اسرائیل که در منطقه مسئله‌ساز است، با کشورهای مختلف دوست بوده و با کشورهای حوزه خلیج فارس مراوده داریم. لاریجانی تأکید کرد: مهم آن است که این مراودات بدون هیچ چشمداشتی به هیچ سرزمینی انجام می‌شود. اینکه مسائلی مثل هلال شیعه را مطرح می‌کنند، به‌خاطر عقب‌ماندگی ذهنی آنهاست. اینکه ترامپ بعد از ملاقات با مسئولان بحرین می‌گوید که ۱۰ میلیارد دلار پول گرفته‌ایم، حرف سخیفانه‌ای است. ما در چنین شرایطی راه روشنی داریم و ارتباطاتمان با همه کشورهای منطقه سنجیده است و پیش‌قدم هستیم. چشمداشتی به هیچ سرزمینی نداریم و معتقدیم که آینده منطقه باید توسط کشورهای منطقه امن شود به همین دلیل استراتژی ایران روشن است. علی لاریجانی، تأکید کرد: رئیس‌جمهور آمریکا دائم به‌دنبال تنش‌آفرینی در منطقه است و رفتارهایش چندش‌آور است.

رئیس بانک مرکزی احمدی‌نژاد، دیدار با رضا ضراب را تکذیب کرد

شرق: رئیس کل بانک مرکزی دولت احمدی‌نژاد، دیدار با «رضا ضراب»، تاجر ایرانی- ترکیه‌ای را که در آمریکا بازداشت است، تکذیب کرد. خبرآنلاین، به نقل از بی‌بی‌سی نوشته بود که خبرنگاران حاضر در جلسه دادگاه رضا ضراب، در شبکه‌های اجتماعی نوشته‌اند او مدعی شده با رئیس سابق بانک مرکزی ایران و نیز با محمود احمدی‌نژاد در زمان ریاست‌جمهوری‌اش ملاقات داشته است. گفته شده که ضراب در این دادگاه با رسم نموداری روی یک صفحه بزرگ، به توضیح چگونگی انتقال طلا برای دورزدن تحریم‌ها پرداخته است.

محمود بهمنی، رئیس سابق بانک مرکزی، به تسنیم گفت: «ضراب اصلا با من دیدار نداشته؛ اصلا دیداری با ضراب نداشته‌ام و این شایعات یک‌سری جوسازی‌هایی است که علیه ایران انجام می‌شود و چنین چیزی اصلا وجود نداشته است. ضراب با دولت قبل کاری نداشته تا بخواهد در ارتباط باشد و فقط یک تاجر بین‌المللی بوده و خود با آمریکا و ترکیه در ارتباط بوده است».

او همچنین گفته: «آمریکا ادعای خلاف علیه جمهوری اسلامی زیاد انجام می‌دهد و این ادعا هم دروغ است و تعجبی ندارد. نیش عقرب از اقتضای طبیعتش است که هویت آمریکا نیز به همین شکل است».

علاوه بر این موضوع در چند روز گذشته در فضای مجازی نامه‌ای از رضا ضراب به محمود احمدی‌نژاد، رئیس دولت دهم، نیز منتشر شده که هنوز تأیید یا تکذیب نشده است. در این نامه که برای سال ۱۳۹۰ است، رضا ضراب برای احمدی‌نژاد نوشته که آمادگی دارد برای حواله‌های ارزی و همچنین تعدیل نرخ ارز با نظارت مستقیم عوامل محترم اقتصادی دولت، با استفاده از کمترین تسهیلات اعتبار و منافع فعالیت کند.

رضا ضراب، از شرکای بابک زنجانی، متهم ردیف اول بزرگ‌ترین فساد نفتی است که در آمریکا به اتهام دورزدن تحریم‌ها در بازداشت به‌سر می‌برد. دادستانی آمریکا او را متهم کرده که در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به دولت ایران کمک کرده است تا صدها میلیون دلار دارایی‌های آنها را برای دورزدن تحریم‌ها جابه‌جا کند. ضراب روز پنجشنبه در دادگاه علیه دولت ترکیه و رئیس‌جمهور این کشور شهادت داد که بازتاب زیادی داشته است و باعث شد دادستانی ترکیه اموال او را مصادره کند.

روزنامه نیویورک‌تایمز نوشت: این تاجر ایرانی-ترکیه‌ای در جریان سومین روز جلسه استماع شهادت، در دادگاه آمریکا «رجب طیب اردوغان» را متهم کرد که شخصا مجوز دورزدن تحریم‌های آمریکا علیه ایران را صادر کرده است. این روزنامه همچنین نوشت ضراب شهادت داده است در سال ۲۰۱۲ یک مقام ترک به او گفته اردوغان که در آن زمان نخست‌وزیر ترکیه بوده، به دو بانک در این کشور دستور داده است در یک معامله میلیارددلاری که گرفتار تحریم است، مشارکت کنند. تا پیش از این دادگاه، فقط شخص رضا ضراب و «هالک‌بانک» از متهمان اصلی این پرونده بودند؛ اما او در دادگاه گفته «بانک زراعت» و «واکیف‌بانک» ترکیه نیز در دورزدن تحریم‌های ایران نقش داشته‌اند. همچنین رویترز در آبان‌ماه نوشته بود که دادستان‌های آمریکایی می‌گویند ضراب برای پیشبرد کارهای خود از نام «رجب طیب اردوغان» استفاده کرده و به‌دنبال جلب حمایت او بوده است. آنها در توضیح ادعای خود به فایل ضبط‌شده یکی از مکالمات تلفنی ضراب اشاره می‌کنند که در آن با یکی از شرکای جرم خود از دیداری که با اردوغان حین یک مراسم عروسی داشته، سخن می‌گوید و اینکه تلاش داشته رضایت او را برای خرید یک بانک ترکیه‌ای جلب کند. ادعاهای ضراب اما با واکنش رئیس‌جمهور ترکیه مواجه شد. رجب طیب اردوغان در جمع نمایندگان حزب اعتدال و توسعه ترکیه گفت: «ترکیه تحریم‌های آمریکا علیه ایران را نقض نکرده است. ما کار درست را انجام داده‌ایم و تحریم‌های ایران را نقض نکرده‌ایم». «بکر بوزداغ»، معاون نخست‌وزیر ترکیه، هم گفت: «به رضا ضراب فشار آورده و او را مجبور به این اظهارات کرده‌اند، ما به‌وضوح می‌گوییم که این محاکمه سیاسی است و هیچ اساس قضائی ندارد. این توطئه‌ای علیه ترکیه است».

ادامه از صفحه ۱۵

شغل‌هایی که نیامده سوخت

چرا رقم یارانه افزایش پیدا نکرد؛ به دلیل کسری بودجه بود یا دلیل دیگری داشت؟

دولت می‌تواند از ثروتمندان یا از واردکنندگان مالیات بگیرد. در این صورت کسری بودجه نخواهد داشت و می‌تواند تأمین درآمد کند. اقتصاد کشور باید هدایت شود. دولت‌ها راحت‌ترین کار ممکن را انتخاب می‌کنند. مواد خام منابع معدنی را استخراج می‌کنند و اسم آن را تولید می‌گذارند، در صورتی که اسم آن تولید نیست. قیمت هم که ما تعیین نمی‌کنیم. خارجی‌ها هم همین را می‌خواهند. مواد خام را با قیمتی که خودشان می‌خواهند خریداری می‌کنند. با عربستان هم در توافق‌اند تا عرضه را زیاد کنند.

این در حالی است که بعد از برجام عرضه زیاد شده و قیمت نفت کاهش یافته است. در دوره احمدی‌نژاد یک بشکه نفت ۱۶۰ لیتری ۱۴۰دلار بود، اکنون ۵۰ دلار است. دولت بر درآمد نفت تکیه می‌کند. ارز ارزان به تولید داخلی ضربه می‌زند.

مگر ثروتمندان چه کسانی هستند؟ صاحبان منابع نفت و پتروشیمی هستند؟ اینها شناسایی هم نمی‌شوند در نتیجه طبقه اشرافی قدرتمند ایجاد می‌شود که می‌توانند قاضی و وکیل بخرند و رسانه‌ها هم که دستشان است.

با این توضیحاتی که مطرح کردید، اصلا می‌شود فقر را از بین برد یا نه؟

با تولید داخلی می‌شود فقر را از بین برد. چینی‌ها و ژاپنی‌ها از اهرم دلار گران‌قیمت استفاده کردند. آمریکایی‌ها به تولید یارانه می‌دهند و از تولید داخل حمایت می‌کنند و از واردات تعرفه بالا می‌گیرند تا تولید داخل حفظ شود. دلار به نفع تولید داخلی می‌تواند گران شود، البته به خودی‌خود نمی‌شود. باید شرایط را ایجاد کرد و بی‌نیاز از خارج شویم. تا آن‌موقع هم باید به تولیدات اساسی یارانه بدهیم، نه‌اینکه دلار گران‌قیمت بدهیم برای اتومبیل یک‌میلیاردی. از تولید داخلی باید حمایت کرد. باید به تولید متناسب با کالایی که از خارج می‌آید یارانه داده شود. در این صورت تولید رشد پیدا می‌کنند. اینها شرایط فقر و مهاجرت ایجاد می‌کند. ای‌کاش الگوی سرمایه‌داری ملی اجرائی می‌شد. با آن الگو حتی یک بی‌کار نداشتیم.

پس درواقع می‌توان گفت بی‌توجهی به تولید و وابستگی به نفت موجب شده برنامه‌های فقرزدایی دولت‌ها ناکام بمانند؟ درست است؟

همین‌طور است. توجه به واردات مصرفی بوده است. اگر تکنولوژی آورده می‌شد، وضع فرق می‌کرد. می‌توانستند الگوی دیگری را انتخاب کنند. اصل ۴۳ قانون اساسی می‌گوید دولت نباید کارفرمای مطلق باشد. بخش تعاونی باید وجود داشته باشد. این بخش مهم‌ترین اصل است. بخش خصوصی باید مکمل این دو بخش باشد. این بخش نباید تکاثر ثروت کند، اما درست برخلاف آن عمل کردیم. در صورتی که می‌توانستیم کالای داخلی نیاوریم و مصرف را وابسته به نفت و خارج نکنیم. سالی ۶۰ میلیارد دلار واردات که آن سال‌ها صد میلیارد دلار بود.

راهبردهایی مانند امحای نظام سرمایه‌داری و ایجاد اقتصاد مبتنی‌بر عدل و قسط آیا تأثیری در اهداف دولت‌ها برای مبارزه با فقر و نابرابری اجتماعی داشته است؟

در این ۲۸ سال کاری انجام نشده است، اما از سال ۵۸ تا ۶۷ صنایع قطعه‌سازی ایجاد شد. وارداتی که برای کالاهای اساسی می‌شد، ازسوی دولت انجام می‌شد. یارانه به مردم به صورت کالابرگی داده می‌شد تا کسی گرسنه نماند. صنایع دفاعی ایجاد شد تا پشتوانه باشد. سرمایه‌داری به آن معنا نبود، ولی نظام بازار بود. تولید بود، اما به شکل فعلی خصوصی نبود، اما بعد از سال ۶۸ عمدا برخلاف قانون اساسی صنایعی که دست دولت بود و با آن می‌شد به‌سرعت ایران یک کشور صنعتی شود، به بخش خصوصی داده شد و از این فکر دور شدیم.

چگونه از طریق توزیع رانت و اعمال قدرت سیاسی در ایجاد طبقات جدید اجتماعی و امحای طبقات دیگر ایفای نقش شده است؟

این دو بال‌به‌بال هم حرکت می‌کنند. اگر قدرت سیاسی مستقل بود، آن طبقه به‌وجود نمی‌آمد. اگر آن طبقه هم به وجود نمی‌آمد، متخلفان محاکمه و افشا می‌شدند. رسانه‌ها و آموزش‌ها عامل دیگری بود. قریب‌به‌اتفاق استادان سرمایه‌داری درس خوانده‌اند و همان را درس می‌دهند.

کدام دولت‌ها در زمینه مبارزه با فقر و نابرابری اجتماعی موفق عمل کردند؟

از نظر من هیچ‌کدام. فقط در دوره اول نمی‌گذاشتند فقر تشدید شود و کالا به افراد داده می‌شد و چیزی خصوصی نشده بود. صنایع دولتی، فروشگاه‌های دولتی و تعاونی‌ها تولیدات خود را طبق نظر دولت ارزان به مردم و مصرف‌کننده عرضه می‌کردند. تعاونی وجود داشت و قوی بود. شرایط به‌گونه‌ای بود که همه با حقوق‌های پایین زندگی کنند. حقوق چهار تا پنج هزار تومان بود، اما اکنون با سه میلیون تومان هم نمی‌شود زندگی کرد.